

جهانی گرایی، فضای مجازی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران

محمد سجاد شیرودی^۱، علیرضا صدرا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۱۰

چکیده

جهانی گرایی یا گلوبالیسم، امروزه به ایدئولوژی‌های گوناگون جهانی شدن اشاره دارد. عالم سیاسی آمریکایی جوزف نای، یکی از مؤسین نظریه روابط بین الملل نولیبرالیسم، استدلال کرده که منظور از گلوبالیسم هر تفسیر و توضیح جهانی است که مشخصه آن شبکه‌هایی از ارتباطات است که در فواصل بین قاره‌ای پراکنده‌اند؛ در حالی که منظور از جهانی شدن افزایش یا کاهش درجه گلوبالیسم است. وقتی بحث از جهانی گرایی به میان می‌آید منظور آن بینش و ایدئولوژی است که در ذهن وجود دارد. در جهانی گرایی ما پا را از کل‌های محدود مانند محلی نگری فراتر می‌نهیم و عرصه‌ی بزرگتر (جهان) را مد نظر داریم. به تعبیر مالکوم واترز، "جهانی شدن فرآیند اجتماعی‌ای است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده است، از بین می‌رود و مردم به‌طور فزاینده‌ای از کاهش این قید و بندها آگاه می‌شوند". اصطلاح جهانی گرایی نمایانگر گسترش دامنه کنش و واکنش انسان و اجتماعات انسانی در پهنه کره زمین است. از این رو برخی از صاحب نظران کروی شدن را برابر نهاد این واژه به مفهوم کروی است و ابعاد زندگی فردی و گروهی بشر را گستره فرهنگ، سیاست، اقتصاد و... متأثر ساخته است.

واژه‌گان کلیدی: جهانی شدن، جهانی سازی، جهانی گرایی، فضای مجازی، قدرت نرم.

۱- دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m.s.shiroody@gmail.com

۲- دانشیار علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

alirezasadra@gmail.com

مقدمه

الف. مسئله: جهانی شدن، جهانی سازی و جهانی گرایی؛ چرایی؟ چیستی؟ چگونگی؟

جهانی شدن:

زمانی که در جایی از جهانی شدن سخن به میان می‌آید، منظور این است که نقش عوامل فوق ملی در روند اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی همه کشورها افزایش یافته است. این تحول رابطه انسان و پیرامونش را دستخوش تغییر می‌کند. جهانی شدن به خروج فرد از حالت درون نگرانه و متکی به یک منطقه خاص، به سمت یک هویت برون نگرانه و فرا سرزمینی کمک می‌کند. جان تاملینسون این نکته را یادآور می‌شود که این حرکت تنها در قالب گذار از یک نظم محلی به نظم کلان نمی‌گنجد و نه تنها فراتر از تأثیرگذاری‌های ارتباطات، حمل و نقل و تکنولوژی جدید است، بلکه به تحکیم هرچه بیشتر پیوندهای "وابستگی متقابل" میان انسان‌ها می‌انجامد. به ویژه توسعه ارتباطات، حمل و نقل و فناوری جدید نه تنها برقراری تماس با فواصل دور را ممکن ساخته، بلکه پدیدآورنده انواع اتحادهای سیاسی-فرهنگی و همبستگی‌های جدید بوده است.

این اتحادها به دلیل شباهت‌های فرهنگی و سیاسی ماورای ملی شکل گرفته‌اند و اگر چه فعلاً مراحل ابتدایی را طی می‌کنند، ولی احتمالاً بعدها انسجام خواهند یافت و در سطوح بالاتری این تحولات به سست شدن رابطه فرهنگ و مکان منجر می‌شوند و فرهنگ‌های محلی و بومی وابسته به یک مکان یا جغرافیای خاص را ضعیف می‌کنند. پدیده اضمحلال پیوستگی بین فرهنگ و مکان به عنوان "سرزمین زدایی" نام برده می‌شود. (تاملینسون، ۱۳۷۵: ۱۴) رویکردها و رهیافت‌های گوناگونی که کوشیده‌اند پدیده جهانی شدن را در قالب یک الگوی نظری عام و فراگیر قابل فهم کنند، هنوز در ارائه یک تفسیر

و تحلیل منطقی و واقع بینانه توفیقی نیافته‌اند. قدمت و پیشینه اندک جهانی شدن در محافل علمی و ارتباط آن با سطوح گوناگون تحلیل، مانند سیاست، اقتصاد و فرهنگ در دشواری تعریف آن مؤثر بوده‌اند. وسعت تحولات مشتمل در این مفهوم و نیز نرسیدن به تکامل نهایی، از دیگر دلایل عدم تعریف دقیق این پدیده است. در واقع آنچه امروزه جهانی شدن خوانده می‌شود، خود در وضعیتی دگرگون شونده، متغیر و بسیار متحول قرار دارد که ارائه تعریفی جامع از آن را مشکل می‌سازد. وجود مفهوم "شدن" گویای سرشت در حال تحول این واژه و از نتایج امتناع یک قضاوت نهایی درباره آن است.

الوین تافلر در توصیف تحولات اخیر جهان مدعی است که جهان به سوی یک تمدن جدید در حرکت است، تمدنی که در آن دولت‌های ملی، دیگر تنها تصمیم گیرنده درباره سیاست جهانی نیستند. موج سومی در راه است که در نتیجه دولتها بخشی از قدرت حاکمیت خود را از دست خواهند داد. دخالت‌های فرهنگی و اقتصادی دیگر کشورها موجب برخوردهای شدید، عمیق و همه جانبه، بین تمدن موج سوم اطلاعات و ارتباطات (با تمدن‌های موج دوم) صنعتی و (موج اول) کشاورزی خواهد شد. به نظر وی این برخوردها تا استقرار کامل تمدن موج سوم ادامه خواهد یافت. (تافلر، ۱۳۷۶: ۱۰-۱۱)

مانوئل کاستلز با تاکید بر عنصر ارتباطات و اطلاعات معتقد است جهانی نو در پایان هزاره دوم شکل گرفته است. این جهان در اواخر دهه ۱۹۶۰ و نیمه دهه ۱۹۷۰ میلادی بر اثر تقارن تاریخی سه فرایند مستقل پدیدار شده است: انقلاب فناوری و اطلاعات، بحران‌های اقتصادی سرمایه داری و دولت سالاری و شکوفایی جنبش‌های اجتماعی - فرهنگی. به نظر او روند این تحولات منجر به ظهور جامعه شبکه‌ای شده است. (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۷)

به نظر آنتونی گیدنز دنیای امروز دنیایی فرآر است که نه تنها آهنگ تحولات

اجتماعی در آن سریعتر از هر جامعه ماقبل نوین است، بلکه میدان عمل و ژرفای تأثیرات آن بر کارکردها و شیوه‌های رفتاری جوامع پیشین نیز بی سابقه است. به نظر وی این پویایی خارق‌العاده زندگی اجتماعی را می‌توان با سه عنصر اصلی پاسخ داد: جدایی زمان و فضا، که به امکان جا انداختن روابط اجتماعی محلی یا موضعی در گستره‌های پهناوری از زمان-فضا تا حد ایجاد نظام‌های یکپارچه جهانی منجر شده است. ساختارهای تکه برداری که عبارت است از نشانه‌های نمادین و نظام‌های کارشناسی. این ساختارها کنش متقابل را از ویژگیهای محلی و موضعی جدا می‌کند. بازتابندگی نهادین که کاربرد منظم اطلاعات و دانش‌های مربوط به شرایط زندگی اجتماعی است، به منزله عنصری ساختاری در سازماندهی و تغییر و تبدیل‌های همان اوضاع محسوب می‌شود (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۵-۳۱) در مجموع، در باب چستی "جهانی شدن" می‌توان گفت مفهوم آن به جای ساختارها و نظام‌های پیشین، پیکره نوینی در حال شکل‌گیری است که پیام‌های آن افق و دورنمایی، جهانی پیدا می‌کند؛ به تعبیر دیگر در متن جهانی شدن نوعی قدرت متبلور جاری است که افقی جهانی یافته و در ورای مرزهای فروریخته، هم صداهای زیادی پیدا کرده است. سپس جهانی شدن ناظر بر تبدیل اصل و مصادیق طبیعت به فراورده‌های فرهنگی است. به همین دلیل بسیاری از نظریه پردازان مدعی‌اند که تحلیل و توضیح پدیده جهانی شدن با استفاده از مفاهیم راهبردی بهتر است. سرانجام آن که پسوند شدن برای واژه جهانی ناظر بر نوعی تحول و حرکت استعلایی است که بیانگر تکاپوی دائمی بشر برای تکامل خویش است. (نصری، ۱۳۸۰: ۲۸۴)

جهانی‌سازی:

بیش از یک دهه از پدیدار شدن واژه جهانی‌سازی Globalization می‌گذرد و مباحث متعددی را در عرصه‌های مختلف پدید آورده و نظریات متعددی نیز از سوی صاحبان نظر در این زمینه بیان شده است. جهانی‌سازی، گویای طرحی پیچیده از سوی استعمار است. حسین بشیریه در این باره، از عبارت فرآیندهای جهانی‌شدن استفاده می‌کند که قرین دهکده الکترونیک جهانی، پیدایش قبیله جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشرده‌گی زمان و مکان و گسترش جهانی آگاهی می‌باشد.

پیروز مجتهدزاده، واژه جهانی‌شدن‌ها را به کار می‌برد که حاوی بار عظیمی از امریکایی‌شدن است و در واقع همان جهانی‌سازی به دست صاحبان صنعت و سرمایه است و امریکا سکوی اصلی پرتاب موشک جهانی‌شدن فرض می‌شود و در پرتو جهانی‌شدن‌ها، جهانیان به فرهنگ، مفاهیم، زبان و اخلاق یا بی‌اخلاقی امریکایی تن می‌دهند. (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۵) جهانی‌سازی نوعی دیگری از جهانی‌شدن است که برخی از اندیشمندان آن را پروژه‌ای می‌دانند که نظام سرمایه‌داری آن را به منظور تسلط بر جهان طراحی کرده است. بر اساس این نظریه جهانی‌شدن موجب فقیرتر شدن فقرا و ثروتمندتر شدن اغنیا می‌داند. در این نوع از جهانی‌شدن، خصوصیت اصلی نظام جهانی، انباشت سرمایه است و انباشت سرمایه بر اساس تقسیم کار واحد جهانی و تقسیم جهان به مناطق مختلف صورت می‌گیرد. «در این نظام جهانی، دولت‌ها در حکم دستگاه‌های متمرکزی عمل می‌کنند که برای استیلا بر کارگران در جهت خدمت تولید سرمایه‌داری عمل می‌کنند» (والرشتاین، ۱۳۹۴: ۲۲۰). «منطق توسعه این نظام عبارت است از بازتولید سلسله مراتب موازی مرکز و پیرامون در اقتصاد جهانی و نظام بین‌الدولی» (همان). این نظام از یک سو بین کشورهای مرکز درست

به سیاست موازنه قوا زده تا هیچ دولتی بر دیگری برتری قاطعی پیدا نکند و از طرف دیگر با سیاست‌های امپریالیستی یا استعماری، مکانیسم‌هایی برای انقیاد سیاسی مناطق پیرامونی به وسیله دولت‌های مرکزی ایجاد کردند. همانگونه که والرشتاین در نتیجه آن می‌گوید «این سیاست‌ها به خصوص برای فرایند مبادله نابرابر و ایجاد پرولتاریا، که هسته مرکزی فرایندهای توسعه سرمایه داری را تشکیل می‌دادند اهمیت حیاتی داشتند» (همان). جهانی شدن به این شکل، به حوزه فرهنگ نیز سرایت می‌کند تا بتوان با ایجاد یک فرهنگ جهانی، نظام سرمایه‌داری جهانی را حفظ کرد و به نوعی بتوان با تناقض‌ها، ابهام‌ها و پیچیدگی واقعیت‌های سیاسی این نظام کنار آمد. والرشتاین در توضیح این فرهنگ می‌گوید: «تا حدودی این کار را با ایجاد مفهوم فرهنگ به صورت تاکید بر واقعیت‌های تغییرناپذیر جهانی انجام داده‌ایم که بی وقفه در حال دگرگونی‌اند. تا حدودی نیز این کار را با ایجاد مفهوم فرهنگ به صورت توجیه بی‌عدالتی‌های نظام با تلاش برای ثابت نگه داشتن آن در جهانی انجام داده‌ایم که بی وقفه در معرض تهدید تغییر قرار دارد» (والرشتاین، ۱۳۷۴: ۳۷).

جهانی گرایی:

پیشرفت و گسترش جهانی و جهش تکنولوژیک دانش فنی، ابزاری و صنعتی، به سان هر فرایند دیگر، یک سری فرصت‌های بس خطیر و سرنوشت‌ساز و یک سری تهدیدهای بس خطرناک و ویران‌گر را فراهم کرده و فراروی جامعه جهانی، جهان اسلام و ایران اسلامی قرار داده است. سازندگی و کسب مادی، از سویی، و تخریب، قدرت تهدیدکنندگی و سلب آرامش معنوی و روحی از دیگر سوی، از ارکان اصلی این فرصت‌ها و تهدیدها است. به ویژه تحوّل شگفت‌انگیز، انفجاری و انقلاب‌گونه در بخش فن‌آوری و شبکه

جهانی ارتباطات، اطلاعات، تبادلات و از جمله تولید، ترابری و حمل و نقل و سهولت، سرعت و شدت بسیار فزاینده و بلکه دم افزون این جریان‌های جهانی، زمینه همگرایی جهانی را به مراتب بیش از پیش فراهم ساخته است. همین جریان همگرایی جهانی نیز به سان هر پدیده و جریان سیاسی و اجتماعی دیگر، باز فرصت‌ها و تهدیدهای خاص خود را در بر دارد و پیامدهای خود را در پی خواهد داشت؛ اما مسلم است که این شرایط، جهانی‌گرایی را از آرزو، به امیدی دست یافتنی؛ از گزینه و فضیلت، به گزیر و ضرورت اجتناب ناپذیر، و از آرمان دورنما، به عمل و تحقق، سخت نزدیک و نزدیک‌تر ساخته است و می‌سازد؛ فرایندی که تمام بخش‌ها، ارکان و نهادها و حتی نیروهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی جهانی، ملت‌ها و دولت‌ها را تحت تأثیر و حتی تحت شعاع خود قرار داده و بیش از پیش قرار خواهد داد. (نصیری، ۱۳۸۰: ۲۸۵) خیلی غیرطبیعی نیست که برداشت‌ها و انگیزه‌های متفاوت و گاه متعارضی در پیگیری پروسه و بلکه پروژه و طرح جهانی‌گرایی، شکل گرفته و در جریان باشند؛ نگرش‌ها و گرایش‌هایی در طیف و پیوستاری از اشکال گوناگون همگرایی جهانی؛ از همکاری جهانی، در حدّ میانه و وسط، همبستگی جهانی تا سر حدّ پیوستگی جهانی در طرف مثبت و حتی وابستگی جهانی تا حدّ ادغام و همگونگی و یک شکل‌سازی جهانی، در طرف دیگر و منفی.

بر این اساس، مهم‌ترین راهبردهای جهانی‌گرایی سه گونه است:

- ۱- جهان‌گرایی حقیقی و همه‌جانبه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی؛
- ۲- جهان‌گرایی ناقص و نارسا و ناتمام یا تک‌ساحتی و صرفاً اقتصادی و در نتیجه ظاهری

و پنداری؛

۳- جهان‌گرایی متناقض، ناسازوار، تنازعی و در نتیجه کاذب، توهمی و دروغین.

(اشتراوس، ۱۳۷۳: ۱۲۵)

بدین ترتیب، اکنون سه گونه جهانی‌گرایی در قالب سه راهبرد جهانی، به گونه آمیخته در هم و ناموزون در جریان است. (اشتراوس، فلسفه سیاسی: ۱۳۷۳)

یکم. راهبرد جهانی‌گرایی حقیقی (Globalism) که ماهیتی فرهنگی دارد و خواهان و در پی همبستگی جهانی است. این جریان بیشتر مطلوب فرهیختگان جهان، و معتقد و مدعای جامعه مدنی جهانی یا مدینه عظمی در اصطلاح فارابی و حتی جمهوری جهانی است. طرح گفت‌وگوی تمدن‌های ایران، استقبال و اتفاق آرای جهانی به‌ویژه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مبین مقبولیت و مشروعیت زمینه‌ای و فراگیر آن است. این راهبرد صرفاً انتخاب نبوده؛ بلکه نیاز جدی و جهانی است؛ هر چند ممکن است تا حدود بسیاری این راهبرد؛ آرمانی، ایده‌آلیستی، خیال‌پردازانه و دست‌نیافتنی به نظر آید یا این گونه گفته و تبلیغ شود. صد البته، این گرایش، ضمن این که دشمنان جدی داشته و دشمنی‌های لجوجانه؛ هم قدرت‌طلبان جهانی و هم منفعت‌طلبان بین‌المللی و به ویژه صهیونیسم جهانی را به صورت برآمد این دو جریان، رو در روی خویش دارد، تشنگل و سازماندهی شبکه‌ای جهانی طرفداران آن که کم هم نیستند می‌تواند احتمال و درصد تأثیرگذاری و توفیقات آن را افزایش دهد. تقویت و قوام گرفتن گروه‌های روشنفکری و فرهیختگی، نهادهای مدنی و از جمله نیروها و نهادهای اجتماعی از قبیل «NGO» گروه‌های اجتماعی و سازماندهی شبکه‌ای و جهانی آن‌ها می‌تواند بستر ساز این جریان و تحقق‌بخش هر چه بیشتر این راهبرد باشد. این گرایش به سبب تأکید بر ساحت معنوی، تمدنی و فرهنگی و

فره‌یختگی، افزون بر ساحت اقتصادی و توسعه مادی، بیشتر «جهانی‌گرایی حقیقی» به شمار می‌رود. می‌توان حقیقت جهانی‌گرایی را «جهان‌داری» و جهان‌سازی حقیقی دانست.

دوم. راهبرد جهانی‌شدن (Globality) که ماهیتی اقتصادی دارد و خواهان و در پی همکاری جهانی است. این جریان، بیشتر مطلوب اقتصادیان و فن‌سالاران و سرمایه‌داران جهانی، و معتقد و مدعای جامعه اقتصادی جهانی یا بازار جهانی آزاد سرمایه، کار و کالا و احیاناً نیروهای کار است. جهانی‌شدن، آمیخته‌ای از جریان‌های غیرارادی و ارادی بوده و خواهان گونه‌ای تقسیم کار و منابع جهانی، نظام کار جهانی و تبادلات آزاد جهانی بر اساس مزیت‌های نسبی مناطق است. این گرایش به سبب تأکید صرف بر ساحت مادی، اقتصادی و توسعه‌ای و نیز به مناسبت توسعه ابزاری و عدم اهتمام به ساحت معنوی، در نتیجه جزنگر و ظاهرگرا و بنابراین جهان‌گرایی پنداری یا ظنی شمرده می‌شود. انریکوداسال، آن را بازاری‌سازی و انحصارگرایی بازار نام برده که جریانی کاملاً غیراخلاقی، غیرانسانی و ارزش‌زدایی شده، بلکه ضد‌ارزشی و ضد‌اخلاقی است.

سوم. راهبرد جهانی‌سازی (Globalization) آمریکایی که ماهیتی سیاسی دارد و خواهان و در پی سلطه، انحصارگرایی و یگانه‌سازی و وابستگی جهانی است؛ جهانی وابسته و وابستگی جهانی به کانون قدرت جهانی یعنی آمریکا در جایگاه رأس هرم قدرت. این جریان بیشتر مطلوب قدرت‌گرایان و تنازع‌گران در صحنه جهانی و در عرصه بین‌المللی و در رأس آن‌ها آمریکا و نومحافظه‌کاران حاکم بر آن است. اینان معتقد و مدعی جامعه جهانی تک‌قطبی و سرمایه‌سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه‌اند. این گرایش به همین سبب و به سبب استفاده از شیوه‌ها و ابزار نو تحقیق علمی و فرهنگی، تطبیع اقتصادی و تکنولوژیکی به اشکال نو و تحت عناوین کمک‌ها، همکاری‌های مشترک و تبادلات، به

ویژه تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال‌گری و تجزیه کشورها و دولت‌ها، تنازعی و توهمی به شمار می‌آید؛ به ویژه که از حیث نظری نیز به گونه‌ای سوفیسم، نیهیلیسم و نسبت‌انگاری نیازمند بوده، آن را ترویج می‌دهد؛ (توین بن، ۱۳۶۴: ۵۸)

به همین سبب‌ها، برخی همانند والراشتاین، دان دریج و لستی، با نگاهی بدبینانه یا پسی میستی، جهانی‌سازی را اقتصادی‌سازی جهان و استثمارگری - استثمار شونده‌گی جهانی می‌دانند؛ چرا که نظریه آنان به جوهره هژمونیک، تنازعی و هابسی - داروینیستی این فرابرد معطوف شده است؛ فرایندی که در حقیقت، داروینیسم جهانی را ترویج می‌کند. نظریه سیاست قدرت مورگنتا، نظریه و بلکه راهبرد و دکترین تنازع تمدن‌های هانتینگتون، سیاست جنگ صلیبی‌های همان نومحافظه‌کاران آمریکایی، اشغال، یگه‌تازی، یک‌جانبه‌گرایی، میلیتاریسم، نظامی‌گری آن‌ها تحت عنوان مبارزه با تروریسم، از جمله آثار و عوامل تحقق آن است. کتاب و در حقیقت نظریه و راهبرد ثروت ملل آدام اسمیت، فیلسوف و اقتصاد سیاسی دان قرن نوزدهم، چه بسا زیرساخت نظری این راهبرد و رهیافت آن باشد. پولانی، اسکات‌گری، هوتن و فرکلا نیز از این فرابرد جهانی‌سازی، غربی‌سازی، آمریکایی‌سازی، و گاه نئوامپریالیسم در قالب نظام نو تک قطبی دهکده جهانی یاد کرده‌اند. (خندق آبادی، ۱۳۸۰: ۸۵)

ب. فرضیه:

با توجه به حجم مخاطبان در عرصه فضای مجازی باید بدانیم چه سهمی در این حوزه داریم. همانطور که افتخار می‌کنیم در عرصه نظامی، موشکی، منطقه‌ای پیشرفت‌هایی داریم در جهاد علمی هم باید قدر دانشمندان خود را بدانیم. نسل جوان نسبت به آرمان‌ها و اصول

انقلاب علاقمند، پایبند و امیدوار هستند. انقلاب اسلامی تنها تغییر ساختار سیاسی نبود بلکه یک گفتمان و الگوی سیاسی جدیدی را عرضه و توقعات زیادی را ایجاد کرد. این الگو باعث شد انقلاب اسلامی در مرزهای جغرافیایی خود متوقف نشود و نسل روشنفکر و جوان آن در جهان اسلام و کشورهای جنوب و توسعه نیافته به سمت گفتمان انقلاب اسلامی حرکت کنند. با توجه به نقش و تأثیر فضای مجازی با بهره‌گیری درست از این حوزه می‌توانیم گفتمان و فرهنگ انقلاب را تقویت کنیم. جمهوری اسلامی لازم و قادر است از فضای مجازی به عنوان فرصت جهت ارتقای جهانی‌گرایی انقلاب اسلامی استفاده نماید.

ج. توضیح فرضیه:

پیشرفت فناوری‌های نوین ارتباطی و تحولات حاصل از آن، پیامدهای مثبت و منفی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جوامع داشته است. رسانه‌های نوین، رسانه‌های همگانی نیستند که پیام‌های محدودی برای انبوهی از مخاطبان متجانس پخش کنند. به دلیل تعدد پیامها و منابع مختلف، مخاطبان قدرت انتخاب بیشتری پیدا کرده‌اند؛ در نتیجه، نگرش انسان‌ها و نیز افق دید آنها نسبت به مسائل، گسترده‌تر از قبل شده، به گونه‌ای که در نحوه زندگی و تصمیم‌گیری آنها تأثیر گذار بوده است. (ارکان، ۱۳۸۶: ۱۱) با توجه به تغییرات ایجاد شده در وسایل نوین ارتباطی و نقش آن در زندگی بشر، امروز شاهد تحول در الگوهای ارتباطی هستیم. (تافلر، ۱۳۷۲: ۲۲۸) فضای مجازی یکی از با نفوذترین فناوری‌های جدید ارتباطی است که همه ابعاد زندگی بشر را تحت تأثیر عظمت و نفوذ خود قرار داده و همه ابعاد حیات فردی و جمعی ما به نوعی متأثر از این فناوری ارتباطی و سایر تکنولوژی‌ها است. (مسعودی، ۱۳۸۱: ۱۵) جمهوری اسلامی بر پایه رهنمودهای مقام

معظم رهبری توانسته یا می‌تواند بیش از گذشته فضای مجازی را که غرب در جریان جهانی سازی به آن به عنوان ابزار تهدید علیه انقلاب اسلامی دلبسته بود، در قالب جهانی گرایی تبدیل بفرصت نماید.

اول. فرایند (پروسه) جهانی شدن فضای مجازی؛ چرایی؟ چیستی؟ چگونگی؟

ما به دوران فشرده‌گی، زمان و فضا پانهاده‌ایم و این مفهومی جز کاهش زمان و کوچک شدن فضا نیست. مفهومی که هم محرک و هم محصول فرآیند جهانی شدن است. به قول گیدنز انقلاب ارتباطات و گسترش فناوریهای اطلاعات در فرآیند جهانی شدن و به قول فریدمن در تسطیح دنیا بسیار تأثیر گذار بوده است. مفهوم جهانی شدن هم به درهم فشرده شدن جهان و هم تراکم آگاهی نسبت به جهان به عنوان یک کل دلالت دارد. مک لوهان همه جایی شدن وسایل ارتباطی به ویژه وسایل بصری را عامل درهم فشرده شدن جهان می‌داند. فریدمن نیز انقلاب اطلاعات را یکی از تسطیح کننده های جهان می‌داند. تا اواسط دهه ۱۳۳۵ مردم خالق پیام خود به شکل دیجیتال شدند، اما آنچه اجازه می‌داد تا هر کدام از ما پیام خود را با کمترین هزینه به هر جای دنیا ارسال کنیم، اینترنت بود. وب جهانی نیز به عنوان سپهر مجازی اینترنت، ارسال پیام دیجیتالی را برای دسترسی هر کس مهیا کرد. در این میان تنها بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی (دولت‌ها) نبودند که می‌توانستند از این فرصتها استفاده نمایند بلکه بازیگران غیر دولتی نیز از این امکانات و استفاده از آن جهت تحقق اهداف خود بی‌نصیب نشدند.

ویژگی این پدیده و این دوره تاریخی جدید را می‌توان وحدت در کثرت و کثرت در وحدت، یا به تعبیری "یک تمدن تمدن‌های بسیار" دانست. جهان گستره‌ی یا همان جهانی شدن، مرحله تازه‌ای را که بر شیوه تولید اطلاعات مبتنی است، در تمدن بشر آغاز

کرده است. این شیوه برخلاف شیوه تولید صنعتی که یک جهان صنعتی مبتنی بر تجدد را ایجاد می‌کرد، ظاهراً به سمت جهان تناقض نمای "یک تمدن تمدن‌های بسیار" میل می‌کند. جهانی که در آن در خصوص مفروضات بسیاری اشتراک نظر هست، اما هر یک از مفروضات جلوه‌های گوناگونی پیدا می‌کنند. پدیده جهانی شدن به پیدایش مرحله تازه‌ای در تمدن انسان، یعنی تمدن جهانی حاوی تمدن‌های بسیار منجر شده است. دهکده جهانی و گسترش فضای مجازی و واقعیت جهانی شدن به معنای این است که پیشرفتی که انقلاب علمی و صنعتی به‌ویژه در گستره ارتباطات بدان دست یافته، مجال را برای پیدایش نیروها و نهادها و شبکه‌هایی که ماهیت و ابعادی جهانی دارند، هر لحظه بیشتر و بیشتر باز می‌کند و در نتیجه موجب طرح مشکلات بسیاری در گستره جهانی می‌گردد که حل آنها ممکن نیست، مگر با سیاست‌های جهانی و فراگیر، به عبارت دیگر مشکلات جهانی، سیاست‌ها و راهبردها و طرح‌های جهانی را طلب می‌کند و این خود به معنای پدیدار شدن فرصت‌ها و مساعد شدن زمینه‌ها برای تحقق و پیاده‌سازی پروسه جهانی شدن می‌باشد. نیروها و ظرفیت‌هایی که از محدوده خاص خود رها شده و ابعاد و اندازه‌های جهانی به خود گرفته‌اند، هم اینک تصمیماتی در حجم و مقیاس‌های جهانی می‌طلبند.

یکی از کارکردهای اساسی فضای مجازی، از جمله شبکه‌های اجتماعی، اطلاع‌رسانی از تحولات و وقایعی است که در محیط اجتماعی واقع می‌شوند. پیشرفت بهت‌انگیز وسایل ارتباط جمعی در قرن حاضر، جهان را به دهکده کوچکی تبدیل کرده که انسان‌ها امکان اطلاع‌یابی از همه وقایع و حوادث جهان را به‌طور سریع و جامع دارند. در عصر ارتباطات هیچ حادثه‌ای هر چند در دورترین نقاط، منحصر به یک منطقه جغرافیایی خاص نیست و از این رو سه ویژگی: فرازمانی، فرامکانی و سرعت فوق‌العاده

از خصیصه‌های وسایل ارتباط جمعی است. امروزه تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در رسانه‌ها رسوخ کرده و از خصوصی‌ترین رفتار انسان‌ها تا بزرگترین تغییرات نهادهای اجتماعی و ساختارهای فرهنگی و سیاسی از طریق رسانه‌ها ارائه می‌گردد. اطلاع‌رسانی، علم مناسب‌سازی (گردآوری، ذخیره و پردازش اطلاعات) و دسترس پذیر ساختن اطلاعات (بازیابی و انتقال اطلاعات) است. کار فضای مجازی پرداختن به آن بخش است که به تولید، گردآوری، سازماندهی، ذخیره، بازیابی، ترجمه، انتقال، تبدیل، و کاربرد اطلاعات مربوط می‌شود. (ویکری ۱۳۸۰، ۲۱)

مک کوئیل کارکرد اطلاع‌رسانی رسانه‌ها را در جامعه چنین بیان می‌کند:

- تأمین اطلاعات درباره رویدادها و شرایط موجود در جامعه و جهان؛

- اشاره به روابط قدرت؛

- تسهیل نوآوری، سازگاری و پیشرفت.

فضای مجازی را می‌توان از بسترهای مؤثر در تولید علم، اشتراک عقاید و رشد فردی و اجتماعی دانست. هدف فضای مجازی این است که با فراهم آوردن امکان ارتباط بین سرمایه‌های فردی و تشکیل سرمایه اجتماعی، به رشد و ارتقای سطح علم کمک کند. هدف کلی هر نوعی از اشکال فضای مجازی، ایجاد سرمایه اجتماعی و تسهیل ارتباط بین متخصصان، هنرمندان و صاحبان حرفه‌های متعدد است. تبدیل سرمایه فردی به سرمایه اجتماعی، از مسائل مهم و مورد توجه تمامی حوزه‌های علمی است. از این طریق، دانش فردی به دانش جمعی تبدیل و در واقع از دانایی جمعی برای حل مسائل و مشکلات دنیای علم بهره‌برداری می‌شود. با پیشرفت روزافزون و حیرت‌آور فضای مجازی در جهان و امکان دستیابی به تازه‌ترین خبرها و گزارش‌های نوشتاری، شنیداری و دیداری از

دورترین مناطق جهان و استفاده بهینه از رسانه‌ها و ابررسانه‌ها، برخی از متفکران و صاحب‌نظران غربی و سایل ارتباطی نوین جهانی را به عنوان بستر ساز تحقق شتابان و بی‌وقفه پروسه جهانی شدن دانسته‌اند. جامعه مانند موجود زنده‌ای، دائماً رو به دگرگونی، تحول، تکامل و انقلاب می‌رود که به عقیده دانشمندان با برخورداری از این اوصاف، مسیر حرکت خود را به سمت و سوی تکامل و پویایی می‌پیماید. دگرگونی و تحول از خصایص بارز و انکارناپذیر جامعه است و در این میان عناصر و عواملی وجود دارند که مرتب شرایط و زمینه این دگرگونی‌ها را به‌طور مساعد فراهم می‌سازند. در عرصه‌های سیاسی، وسایل ارتباط جمعی نقش غیرقابل انکار و مؤثری را داراست. از بسیج عمومی و جهت‌دهی افکار جمعی تا کمک به شیوه‌های حکومت‌داری، نظارت بر عملکرد و کارکردهای آرمان‌های دولتی، تقویت نهادهای مدنی، ترغیب شهروندان به مشارکت گسترده ملی، تحریک احساسات ملی و سیاسی جامعه، برملا ساختن زدو بند‌های پشت پرده در جریان‌ات سیاسی، انتقال پیام و مطالبات مردم به دولت و منعکس ساختن فعالیت‌ها، برنامه‌ها و عملکردهای دولت در جامعه و....

فضای مجازی در نهادینه ساختن پلورالیسم سیاسی، تبیین دیدگاه‌های احزاب مختلف و ترویج دموکراسی و... جایگاه ممتازی دارد، به‌خصوص در دوران گذار، کمک شایانی در پشت سر گذاشتن بحران می‌کند. چرا که «از مؤلفه‌های اصلی دوران گذار، وجود رسانه‌هایی همگانی با رویکرد جمع‌گرا به ارزش‌های مدرن سیاسی و اجتماعی می‌باشد، زیرا که تنوع و تکثر رسانه‌های همگانی، موجب ارائه راه‌کارهای کثرت‌گرایانه فرهنگی - سیاسی بر دگردیسی بنیادهای سنتی جامعه، عمیقاً تأثیرگذار بوده و موجب تسریع در روند جدید سیاسی و نهادینگی هنجارهای مدرن اجتماعی می‌گردد. در واقع برجستگی و برازندگی

نقش رسانه‌ها در پیشرفت دموکراسی و تثبیت آن به‌عنوان یک الگوی مدرن سیاسی دارای نیرویی دگرگون‌ساز در روابط و هنجارهای متعین در سیاست و اجتماع است. (صدوقی، ۱۳۸۰: ۴۸)

دوم. راهبرد (پروژه، توطئه) جهانی سازی فضای مجازی؛ چرایی؟ چستی؟ چگونگی؟ فضای مجازی عرصه زندگی بشر را وارد عصری نوین کرد، در این باره مانوئل کاستلز، که تحولات جهانی در حوزه‌های اقتصاد، جامعه و فرهنگ را بر اساس توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات تبیین می‌کند، ظهور جوامع شبکه‌ای را سر آغاز دگرگونی‌های همه جانبه در این عصر می‌نامد. او شبکه‌های اطلاعاتی و ارتباطی را عنصر اصلی کنش گره‌های اجتماعی در اواخر سده بیستم می‌داند (کارنکراس، ۱۳۸۴: ۱۳) فضای مجازی عملاً انتقال فوری و جهانی همه انواع داده‌ها را امکان پذیر ساخته است و به همین دلیل شالوده پدیده جهانی شدن را تشکیل می‌دهد. جهانی شدن ارتباط تنگاتنگی با توسعه اقتصادی دانش مبنای جامعه اطلاعاتی دارد. کاستلز اظهار می‌دارد که اقتصاد اطلاعات در حقیقت محرک اصلی پدیده جهانی سازی و مسائل همراه آن است (دارنلی، ۱۳۸۴: ۷۷) ویژگی‌های فضای مجازی باعث تسهیل عرصه بیرونی گردش اطلاعات شده است که ایجاد اشکال جدید اجتماعات انسانی و سازمان‌های اجتماعی مجازی را ممکن ساخته است. (اسلوین، ۱۳۸۰: ۷۷) که حول مجموعه‌ای از شبکه‌های اطلاعاتی به هم پیوسته شکل می‌گیرد. به عنوان روندی تاریخی، کارکردها و فرایندهای مسلط در عصر اطلاعات هر روز بیش از پیش پیرامون این شبکه‌ها سازمان می‌یابند. شبکه‌ها ریخت اجتماعی جدید جوامع ما را تشکیل می‌دهند و گسترش منطق شبکه‌ای، تغییرات چشمگیری در عملیات و نتایج فرایندهای تولید، تجربه، قدرت و فرهنگ ایجاد کرده است (کاستلز، ۱۳۸۵: ۴۴۳)

سوم. فرابرد (طرح) جهانی‌گرایی فضای مجازی انقلابی جمهوری اسلامی ایران؛ چرایی؟
چیزی؟ چگونگی؟

رهبر معظم انقلاب بارها تاکید بر هوشیاری آحاد جامعه در جنگ نرم در فضای مجازی داشته‌اند که لازم است نیروهای انقلابی و دلسوز نظام و اسلام هوشمندانه وارد این فضا شوند. اکنون قدرت و اثرگذاری فضای مجازی با دیگر رسانه‌های مکتوب قابل قیاس نیست و باید از این ظرفیت در ترویج فرهنگ ایرانی و اسلامی استفاده کرد. فضای مجازی فرصتی برای درهم شکستن ابهت خوی استکباری، معرفی دفاع مقدس، فرهنگ ایثار و شهادت و تقویت روحیه مطالبه‌گری و مقابله با شیخون فرهنگی است. ماهواره در جهان برای مخابره اخبار فعال است که از این تعداد ۲۱۴ ماهواره منطقه آسیا و ۳۱ ماهواره به صورت شبانه روزی ایران را مورد بمباران تبلیغاتی قرار می‌دهد. در جهان ۲۰ هزار و ۳۷۴ شبکه تلویزیونی فعال وجود دارد که از این تعداد هفت هزار شبکه در ایران با زبان‌های زنده دنیا و گویش‌های گوناگون قابل دریافت است. دسیسه‌های دشمن با تبلیغات در این شبکه‌های معاند با فرهنگ‌سازی و عملکرد هوشمندانه در شبکه‌های اجتماعی خنثی می‌شود. امکان دریافت ۴۰۷ شبکه مذهبی در ایران که به صورت شبانه روزی در حال تبلیغات فرقه‌های دینی و مذهبی متفاوت هستند، خود گواه توطئه دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران است. ۳۹۹ شبکه تلویزیونی با از بین بردن قبح زشتی‌ها، غیرت جوانان را مورد هدف قرار داده‌اند، آگاهی بخشی و تبیین افکار عمومی راهکار ناکام کردن دشمن در رسیدن به اهداف شومش است. حضور هوشمندانه دلسوزان نظام نیازمند آموزش است و نخستین قدم در این مرحله تحلیل صحیح و به موقع از حرکت‌ها و جریان سازی‌های دشمنان است. با توجه به اینکه دشمنان، لشکر سایبری علیه انقلاب اسلامی به راه انداخته‌اند، دلسوزان نظام

نیز باید با راه اندازی فضای رسانه‌ای علیه دشمن، نقاط قوت و ضعف دشمن را شناخته و بر اساس آن تحلیل مناسب انجام دهند.

در سایه نظام جمهوری اسلامی ایران ما امروز نگاه الگوئی را از این مکتب الهی در تحولات جهان و چیدمان تحولات جهانی شاهد هستیم به طوری که تحولات این کشور از حوزه تولید علم، تکنولوژی‌های مدرن، صنایع دفاعی، آموزشی و بهداشتی گرفته تا تحولات در همه حوزه‌ها مبنای حرکت آزادیخواهان جهان است. در طی ۴۰ سال گذشته انقلاب اسلامی ایران، همواره با انواع جنگ‌های دشمن مورد تهاجم قرار داشته است، جنگ سیاسی، نظامی، روانی، نامتعارف و سلاح‌های شیمیایی استفاده از عوامل داخلی و ضدانقلاب، تحریک همسایگان و دشمنان خارجی، اما دشمن همچنان در صدد ضربه زدن به نظام اسلامی است و از هر روزنه و یا هر دسیسه و نقشه‌ای به دنبال اهداف خویش است و در آخرین اقدام به طور رسمی جنگ نرم را در عرصه‌های جدید مانند فضای مجازی طراحی و به اجرا گذاشته است. کمیته نیروهای مسلح مجلس نمایندگان امریکا در لایحه بودجه سال ۲۰۱۰ پنتاگون برای براندازی نرم و شبکه سازی اینترنتی بودجه ۵۵ میلیون دلاری تصویب کرد. این بودجه و سیاست‌های مندرج در آن، بیانگر تغییر عملی، رویکرد جنگ سخت به جنگ نرم علیه نظام جمهوری اسلامی ایران است. با عنایت به تاکیدات فرماندهی معظم کل قوا نظام با مجهز بودن به عنصر بصیرت همانطور که در دوران دفاع مقدس از عهده ماموریت‌های حساس خویش برآمد، اکنون نیز با مجهز بودن به عنصر بصیرت همانطور که در دوران دفاع مقدس از عهده مأموریت‌های حساس خویش برآمد، اکنون نیز با مجهز شدن به سلاح فناوری اطلاعات می‌تواند به انتظارات فرماندهی معظم کل قوا و ملت

مسلمان وظیفه همیشگی خود یعنی پاسداری از اسلام و انقلاب اسلامی عمل نماید که در این راه نیاز به برخی اقدامات می‌باشد که از جمله آنها:

- نشر فرهنگ و ارزشهای انقلاب اسلامی، بسیج و دفاع مقدس در فضای سایبری
- مقابله با تهدید نرم در فضای سایبری
- استفاده بهینه از توانمندیهای بسیجیان در فضای مجازی و هدایت و ساماندهی آنان در راستای اهداف انقلاب اسلامی
- انجام ماموریت‌های ویژه در فضای مجازی و جلوگیری از کارشکنی‌ها و ایرادات امنیتی در فضای مجازی

- وبلاگ نویسی دینی و تعالی بخشی اسلامی
- همکاری‌های متخصصان هنری
- هویت یابی و هویت بانی از اصالت ناب ایرانی اسلامی
- ارزش آفرینی و بهره مندی از نخبگان فرهنگی و سرمایه‌های اجتماعی
- اشاعه موازین و مبانی حجاب اسلامی
- رفع شبهات و جبران خلاءهای موجود در این حوزه فضای مجازی برای تأثیر در افکار عمومی دانشگاه و جامعه
- تربیت و بکارگیری دانشجویان بسیجی و غیربسیجی و سازماندهی آنها در گروه‌های مرتبط برای بهره برداری بیشتر از طریق فناوری نوین ارتباطات و اطلاعات
- کاهش نقش مخرب دشمنان در فضای مجازی
- اطلاع رسانی به موقع، حجیم و مؤثر از طریق اینترنت
- ایجاد فضای مناسب و مطلوب برای افکار عمومی، دانشگاه و جامعه

- مقابله با هرگونه عملیات روانی دشمن و گروه‌های افراطی در دانشگاه و جامعه.

حاصل:

الف. جمع بندی

رسانه‌های مجازی در حال تبدیل شدن به امپراطوری‌های بزرگ در عصر جدید می‌باشند و فضای مجازی، فضای قدرت‌های بزرگ است. منطق و محیط جنگ سنتی بر اساس منطق و محیط جنگ در فضای مجازی دگرگون شده است. اگر تا پیش از این، منطق پیروزی در جنگ سنتی، برخورداری بیشتر از نیروهای فیزیکی و ابزارآلات فیزیکی بود (گرچه این منطق همچنان با شدت و ضعف‌هایی پابرجاست)، اما بدون تردید، ظهور محیط مجازی، باعث دگرگونی و تشکیک اساسی در این منطق شده است. این فضای قدرتی را به عنوان قدرت نرم‌افزارها و فناوری اطلاعات و ارتباطات به وجود آورده است و این فناوری، بسیاری از عرصه‌های تقابل را متفاوت از گذشته ساخته است. مؤلفه‌های قدرت‌آفرین نیز دچار تحول بنیادین شده و مفهوم جدیدی از قدرت در قالب توانمندی برای تکثیر شدن مطرح شده است. بر این اساس، هر ملتی که الگوها و ایده‌های (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) او از بیشترین قابلیت برای تقلید شدن و تکثیر شدن برخوردار باشد، از قدرت بیشتری نیز برخوردار خواهد بود، به عبارتی امروز کسی را قدرتمند می‌دانند که بتواند اراده خود را در سطح جهانی تکثیر کند و بتواند جامعه جهانی متکثر را تابع منطق قدرت و اراده خود قرار دهد و این آرزو و یا هدف، جز در فضای مجازی امکان تحقق ندارد. اگر امروز یک میلیارد جمعیت دنیا در فیس‌بوک عضو می‌شوند، این عضویت در یک نظام قدرت است. اگر امروز ۹۵ درصد جست‌وجوی اطلاعات در

جست‌وجوگرهای آمریکا انجام می‌شود و این اطلاعات از مسیر آنها عبور می‌کند، این به معنای یک سلطه قدرت نرم در این محیط است.

در محیط مجازی، قدرت‌های کوچک جایگاهی ندارند، بنابراین تولید وبگاه‌ها و وب‌نوشت‌های انبوه و ضعیف، هیچ مشکلی را حل نمی‌کند. باید در طراحی فضای مجازی، ج.ا.ایران در پی ایجاد قدرت بزرگ مجازی در پرتو یکپارچه‌سازی فعالیت در فضای مجازی و طراحی نهادهای یکپارچه فرهنگی در این فضا، براساس نیازهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بومی بود. این حقیقت غیرقابل انکار است که فضای مجازی - با وجود تهدیدهای متصور - فرصت‌های مغتنمی را برای معرفی توان‌ها و قابلیت‌های فرهنگی، ایجاد و افزایش سرمایه اجتماعی از طریق بهبود و سلامت ارتباط‌های اجتماعی افراد، آگاه‌سازی و آموزش‌های اجتماعی و در نهایت، تولید قدرت نرم در اختیار ملت‌ها و دولت‌ها قرار داده است و ج.ا.ایران نیز می‌تواند با ظرفیت‌سازی و مدیریت هوشمند، به بازتولید قدرت نرم در این فضا اقدام نماید. با این نگاه، راهبردهای پیشنهادی نیز عبارت است از:

(۱) ساماندهی و مدیریت یکپارچه فضای مجازی کشور و پرهیز جدی از اعمال سیاست‌های مقطعی و سلیقه‌ای،

(۲) اعتمادسازی و تقویت عناصر و اجزای سرمایه اجتماعی با افزایش آستانه تحمل و ایجاد فرصت‌های بیشتر به کاربران داخل و خارج کشور برای ایفای نقش بیشتر و تقویت تعلق خاطر و وفاداری‌ها،

(۳) انجام اقدام‌های پژوهش‌محور و ساخت عقبه‌های علمی برای تولید ایده و انتشار محتوا در فضای مجازی و پرهیز از فعالیت‌های مقطعی و سطحی،

(۴) کاهش اقدام‌های تصدی‌گرایانه دولتی و افزایش سطح مشارکت‌های مردمی برای مدیریت شبکه‌های اجتماعی و بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های جامعه.

ب. نتیجه‌گیری

فرآیند شتابان جهانی شدن بعد از انقلاب صنعتی و پدیده اینترنت و فضای مجازی به عنوان یکی از برآیندهای جهانی شدن در نیمه دوم قرن بیستم، باعث تأثیر در مفاهیم پایه‌ای جغرافیای سیاسی همچون مفهوم ملت، حکومت، مرز، حاکمیت و... شد و باعث شکل‌گیری معادله‌ای مجازی این مفاهیم همچون ملت مجازی، چند هویتی شدن افراد و کم‌رنگ شدن مفهوم مرز، حاکمیت و... شد، با توجه به تأثیر این گونه مفاهیم و شکل‌گیری فضای مجازی بر فضای واقعی زندگی انسانی؛ ضرورت پژوهش و تبیینی نو از مفهوم ملت مجازی برای سازگاری با شرایط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عصر جدید به وجود آمده است.

ج. راهبرد فرصت‌سازی حداکثری فضای مجازی ج.ا.ایران

فضای مجازی یک فضای واقعی است، واقعیتی انکارناپذیر در جهت رفاه و ارتقا سطح مادی و معنوی مردم ایران که با هوشمندی مسئولان متخصص و سیاست‌گذاری صحیح این فضا برای تبلیغ رسالت موحدان بیشتر از تهدیدات سلطه‌گران خواهد بود. فضای مجازی در ایران از لحاظ اندیشه آزاد اسلام ناب محمدی و معجزات قرآنی مصون ساز، در مقابل اندیشه‌های خرافی و تحجرگراانه و انحرافی سلطه جهانی یک فرصت طلایی است. یکی از راهکارهای اصلی برای جلوگیری از آسیب‌های جامعه مجازی

شفاف‌سازی، و تقویت حوزه‌های نظارتی است. با گسترش روز افزون کاربرد تکنولوژی‌ها، وسعت دسترسی به اینترنت نامحدود می‌شود و لذا موقتی شدن کاربرد هرگونه اعمال محدودیتی باید به آگاه‌سازی و مصون‌سازی کاربران اقدام کرد تا خودشان به گزینشگران خلاق فعال تبدیل شوند. فضای مجازی در ایران فرصت‌ها و تهدیداتی دارد، ولی با برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری صحیح می‌توان تهدیدات این فضا را به فرصت تبدیل نمود.

در انتها طبق فرمایشات استاد محترم باید در این زمینه اجتهاد نموده و ارائه راهکار نمائیم، که به این شرح می‌باشد:

راهبرد جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی:

به طور طبیعی، هرگونه نقش‌آفرینی مؤثر و مواجهه فعال و هوشمند، در گرو شناخت ابعاد و زوایای تأثیرگذاری این پدیده بر امور جاری است و بدون درک و شناخت هرچه کامل‌تر، نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. در ادامه، راهبردهای مواجهه فعال در فضای مجازی کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱- ساماندهی و مدیریت یکپارچه فضای مجازی کشور

با توجه به تشکیل شورای عالی فضای مجازی کشور، ضروری‌ترین اقدام‌ها عبارتند از:

(۱) واگذاری وظایف شوراهای موازی (شورای عالی فناوری اطلاعات، شورای عالی انفورماتیک و نظایر آن) به این شورا،

(۲) برخورداری تدابیر و راهبردهای این شورا از ضمانت اجرا برای قوای سه‌گانه،

(۳) رفع خلأ قانونگذاری در این حوزه؛ چرا که به واسطه نوپدید بودن این فضا، مشکل‌های زیادی در نوع مواجهه با تخلف‌ها و جرائم وجود دارد؛ به عبارتی، شکل‌گیری «قوای

سه گانه» در فضای مجازی، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آید؛ زیرا مسائل دنیای فیزیکی به داخل این فضا هدایت شده و هماهنگی کامل بین این دو فضا مورد نیاز است. از طرفی، موجودیت مقوله‌های جدید در فضای مجازی باید بازتعریف شده و متناسب با روندها، قوانین جزایی و حقوقی جدید وضع گردد،

(۴) همراه و هماهنگ شدن سایر قوا با این شورا و ایجاد ظرفیت‌ها و ساختارهای جدید در درون خود.

۲- اعتمادسازی و تقویت سرمایه اجتماعی

اگرچه تحقیق در مورد ارتباط میان سرمایه اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی مجازی همچنان ادامه دارد، اما شواهد موجود حاکی از ارتباط مثبت میان سرمایه اجتماعی و اینترنت است. «سرمایه اجتماعی» که موضوعی «فرهنگ‌مدار» بوده و کلیدواژه‌های ادبیات آن بر اعتماد، آرمان و ارزش‌های اخلاقی استوار است، از جایگاه قابل توجهی در قدرت نرم برخوردار می‌باشد. قدرت نرم، یعنی توانایی تعیین اولویت‌ها، به گونه‌ای که با دارایی‌های نامرئی، مانند جذابیت‌های فرهنگی، شخصیتی و ارزش‌ها، همسو بوده و اعتبار معنوی پدید آورد. برای مثال، اگر یک رهبر، ارزش‌هایی را ارائه کند که دیگران، خود مایل به پیروی از آن باشند، هزینه اداره کردن آن جامعه به مراتب کمتر خواهد شد. این اعتبار معنوی باعث خواهد شد انسان‌ها با اراده و علاقه خود، کاری انجام دهند که اعمال‌کنندگان قدرت نرم، آن را می‌خواهند. شاه‌کلیدهای مباحث سرمایه اجتماعی را می‌توان در مفاهیم «اعتماد»، «روابط»، «مشارکت» و «انسجام»، خلاصه نمود.

سرمایه اجتماعی + انسجام اجتماعی + مشارکت اجتماعی + ارتباط اجتماعی + اعتماد اجتماعی

با دقت و تأمل در شاخص‌های نسجش سرمایه اجتماعی، به خوبی می‌توان دریافت که یکی از هدف‌های مهم جنگ نرم، مخدوش‌سازی و تزلزل در این مؤلفه‌ها می‌باشد. اگر در جامعه‌ای اعتماد بین افراد و حکومت مخدوش، «اعتبار» موجود تضعیف، وفاداری‌ها تقلیل و امیدها کم‌وزن شود و یا از بین رود، شالوده‌های امنیت آفرینی در آن جامعه سست شده و آن کشور در معرض ناامنی و فروپاشی قرار می‌گیرد. بر این اساس، لازمه توانمندی در مواجهه مقتدرانه با جنگ نرم، برخورداری از قدرت نرم بوده و یکی از لوازم اساسی برای برخورداری از این شایستگی، بازتولید همواره سرمایه اجتماعی در لایه‌های مختلف افقی (مردم - مردم) و عمودی (حاکمیت - مردم) می‌باشد.

سرمایه اجتماعی + بازتولید قدرت نرم + توانمندی در مواجهه با جنگ نرم

۳- مشارکت آفرینی

شبکه‌های اجتماعی مجازی، بسترهای بسیار مناسب و مغتنمی را برای ایجاد مشارکت افراد و اقشار مختلف جامعه فراهم ساخته است و «مشارکت»، عاملی مؤثر در ایجاد و تقویت «قدرت ملی» و «قدرت نرم» می‌باشد. در یک نگاه، توجه به نقش مشارکت در کشور از سه جنبه برخوردار است:

(۱) **ایرانیان داخل مرزهای جغرافیایی.** این موضوع با توجه به برخورداری ایران از تنوع قومی بالا، بسیار حائز اهمیت است. ج.ا.ایران، جزو ده کشور اول دنیا به واسطه برخورداری از تنوع قومی است و در صورت عدم مدیریت صحیح، این ویژگی می‌تواند یکی از نقاط تهدیدزا برای امنیت ملی کشور محسوب گردد.

(۲) **ایرانیان خارج از کشور.** ایرانیان مقیم مهاجر، دانشجویان خارج از کشور، نیروی کار مهاجر و نظایر آن، از سرمایه‌های کشور محسوب می‌شوند و هرگونه سرمایه‌گذاری بر

روی این اقشار، به تولید قدرت نرم کشور منجر خواهد شد. امروزه به برکت فراگیری فناوری ارتباطی - اجتماعی، مرزهای جغرافیایی بسیار کم‌رنگ شده و «فشرده‌گی زمان و مکان» در یکی از بهترین اشکال آن متجلی شده است.

(۳) دوستداران و علاقه‌مندان ایران. یافته‌های یک تحقیق نشان می‌دهد «جمهوری اسلامی ایران بیشترین کاربرد مؤلفه‌های قدرت نرم را در میان کشورهای اوراسیای مرکزی (۷۶/۲۸٪) و کمترین میزان (۳/۹۶٪) را به نسبت در آمریکای لاتین داشته است. همچنین مشخص شد که بالاترین میزان اعمال قدرت نرم ج.ا.ایران در مناطقی است که ساکنان آن بیشتر با زبان فارسی در ارتباط هستند. در ضمن، جمهوری اسلامی ایران بیشترین موفقیت را در کاربرد عوامل متغیر قدرت نرم، در زمینه بهره‌گیری از مؤسسه‌های ایران‌شناسی در سایر کشورها داشته است».

۴- آگاه‌سازی

رسانه‌ها، همان‌گونه که می‌توانند با کاربرد راهکنش (تاکتیک)‌های مختلف به مقابله نرم در برابر هدف مورد نظر خود پردازند، با همان روش‌ها می‌توانند منابع قدرت نرم یک کشور، یعنی کارآمدی حکومت، سرمایه اجتماعی، اقتدار و جذابیت را تقویت کرده و با افزایش سطح رضایت، حساسیت و اعتماد سیاسی، میزان مشارکت نهادمند، مستمر و قانونی مردم را افزایش و مشروعیت دولت را افزایش دهند. نوع نگاه و دید راهبردی مسئولان در این زمینه می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد، بنابراین فضای مجازی را به عنوان یک واقعیت باید پذیرفت و به جای نگاه امنیتی به این پدیده و اجرا و تجویز اقدام‌های سلبی (مانند پالایش، در وسیع‌ترین شکل ممکن)، به اقدام‌های ایجابی، مانند اعتمادآفرینی در اشکالی مانند افزایش سعه صدر و انتقادپذیری در مسائل اجتماعی و فرهنگی مبادرت ورزید.

۵- اقدام‌های پژوهش‌محور

بسیار ساده‌لوحانه است که اقدام‌های دشمنان در عرصهٔ جنگ نرم را اقدام‌هایی در سطح و فاقد عقبهٔ علمی فرض کرد. بدون شک، موفقیت چشمگیر حاصل شده در این فضا، مرهون تلاش‌های مجدانهٔ عناصر فکری و پشتیبانی‌های بی‌دریغ صاحبان قدرت و نظام سلطهٔ نوین جهانی در قالب مؤسسه‌های قدرتمند علمی و پژوهشی بوده است. از این رو، مقابله و مواجههٔ مؤثر نیز تنها از این طریق امکان‌پذیر بوده و توسل به شیوه‌های غیرعلمی و منفعلانه، راه به جایی نخواهد بُرد. جمهوری اسلامی ایران به عنوان داعیه‌دار حضور در خط مقدم مبارزه با نظام سلطهٔ جهانی و علاقمند به ظهور «جهانی انسانی» به عنوان یک آرمان مقدس الهی، نیازمند ورود مقتدرانه در عرصهٔ پژوهش با ایجاد و تقویت مؤسسه‌های پژوهشی در حوزهٔ فضای مجازی می‌باشد. نتیجهٔ راهبرد آن است که به جای «غافلگیر» شدن، همواره در مواجهه با پدیده‌های نوظهور اجتماعی در این حوزه و توسل جستن به اقدام‌های سلبی و منفعلانه، به بازیگری فعال، آینده‌پژوه و آینده‌ساز تبدیل گردید. در شرایط کنونی، جامعه نیازمند تولید و راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی بومی است تا افزون بر برخورداری از قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی جهانی، مرزهای ملی و مذهبی کشورمان نیز در آن لحاظ شده باشد.

۶- مدیریت هوشمند

نظریه‌پردازان در دهه‌های اخیر، قدرت را با توجه به شاخص‌ها و معیارهای متکثر مورد بررسی قرار داده تا بتوانند زوایای مختلف آن را مورد کنکاش قرار دهند. بارنس ۱۴، در نظریه‌پردازی‌های خویش از واژه و اصطلاح «قدرت ترکیبی» استفاده کرد. سوزان ناسل معتقد است: توانایی‌ها و برتری‌های نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک باید در یک جهت هماهنگ شوند تا برآیند آن، تداوم برتری یک کشور را تضمین کند. نظریه‌پردازان

قدرت هوشمند بر این باورند که کشوری مانند ایالات متحده برای ایفای نقش جهانی نیازمند آن است که به اقدام‌های سازمان‌یافته برای دستیابی به سیطره دست زند. این امر، ماهیت منحصر به فرد و چندبُعدی داشته و امکان پیوند ابزارهای دیپلماتیک، امنیتی و راهبردی را فراهم می‌سازد.

۷- تجزیه و تحلیل راهبردهای پیشنهادی

نتیجه حاصل شده به شرح زیر می‌باشد:

گزینه‌های مرتبط با راهبردهای پیشنهادی به ترتیب برخوردار از بالاترین امتیاز عبارتند از: «تأسیس مراکز سیاستگذاری (در سطوح کلان و خرد جامعه) به منظور بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های جامعه، هدایت صحیح کاربران و مدیریت یکپارچه این فضا»، «تقویت سرمایه اجتماعی نظام و اعتمادآفرینی با انعکاس به موقع وقایع، اخبار و رویدادهای کشور به منظور کاهش نیاز به مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی بیگانه»، «تغییر رویکرد از «تهدیدمحوری» به «فرصت‌محوری» در مسئولان مرتبط نظام در بهره‌گیری از فضای مجازی»، «مدیریت هوشمندانه فضای مجازی و اجتناب جدی از اقدام‌های سلیقه‌ای و مقطعی»، «آگاهی‌بخشی به افراد جامعه نسبت به معایب و محاسن فضای مجازی و چگونگی بهره‌گیری مناسب از آن»، «اقدام‌های پژوهش‌محورانه و بهره‌گیری از عناصر فکری مولد برای تولید محتوا در فضای مجازی»، «ایجاد فضاهای اینترنتی بومی و ایجاد جدایت برای کاربران برای عضویت در آن» و «افزایش سطح مشارکت‌های مردمی و توسعه نهاد‌های غیردولتی (سمن‌ها)» بوده است.

منابع

- ۱) ارکان، عاطفه (۱۳۸۶). «سیر تحول وسایل ارتباطی بشر از جامعه ابتدایی تا جامعه اطلاعات»، **هفته نامه نگاه حوزه**، شماره ۲۱۳، شهریور.
- ۲) اشتراوس، لئو، گراپسی، جوزاف (۱۳۷۳). **نقد نظریه دولت جدید**، ترجمه تدین، تهران: کویر.
- ۳) اشتراوس، لئو (۱۳۷۳). **فلسفه سیاسی چیست؟**، ترجمه رجایی، تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴) تافلر، آلوین (۱۳۷۲). **موج سوم**، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: نشر نو.
- ۵) تافلر، آلوین و دیگران (۱۳۸۵). **به سوی تمدن جدید**، ترجمه محمدرضا جعفری، تهران: نشر سیمرخ، چاپ سوم.
- ۶) توین بن، آرنولد (۱۳۶۴). **تاریخ تمدن**، ترجمه آژند، تهران: مولی.
- ۷) خندق‌آبادی، حسین (۱۳۸۰). **حکمت جاویدان**، تهران: مؤسسه توسعه دانش و پژوهش ایران.
- ۸) دارنلی، جیمز و جان فدر (۱۳۸۴). **جهان شبکه‌ای، در آمدی بر نظریه و عمل در باب جامعه اطلاعاتی**، ترجمه نسرين امین دهقان و مهدی محامی، تهران: نشر چاپار.
- ۹) صدوقی، مرادعلی (۱۳۸۰). **تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی**، تهران: نشر نی.
- ۱۰) کارنکراس، فرانسس (۱۳۸۴). **زوال فاصله‌ها، چگونه انقلاب ارتباطات زندگی ما را تغییر خواهد داد**، ترجمه نصرالله جهانگرد و همکاران، تهران: دبیر خانه شورای عالی اطلاع رسانی.
- ۱۱) کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). **عصر اطلاعات** (سه جلد)، ترجمه علیقلیان، خاکباز و چاووشیان، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۲) کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). **عصر اطلاعات ظهور جامعه شبکه‌ای**، ج ۱، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
- ۱۳) گیدنز، آنتونی (۱۹۸۹). **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری (۱۳۸۵)، تهران: نشر نی.
- ۱۴) مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷). «هویت ایرانی در آستانه قرن بیست و یکم»، **ماهنامه اطلاعات**، سیاسی و اقتصادی شماره ۱۲۹، خرداد و تیر.

- ۱۵) مسعودی، علی (۱۳۸۱). «پدیده اینترنت»، **ماهنامه دیدار آشنا**، شماره ۲۷، شهریور.
- ۱۶) نصری، قدیر (۱۳۸۰). «در چستی جهانی شدن، تاملی نظری در سمت و سرشت آهنگ جهانی»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۲۸۶ - ۲۸۵.
- ۱۷) والرشتاین، ایمانوئل (۱۳۷۷). **سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی (ژئوپلیتیک و ژئوکالچر)**، ترجمه پیروز ایزدی، تهران: نشر نی.
- ۱۸) ویکری، برایان، ویکری، الینا (۱۳۸۰). **علم اطلاع رسانی در نظر و عمل**، ترجمه عبدالحسین فرج پهلوی، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.

